

## سنت بزرگداشت از روز مادر



کشد رنج پسر بیچاره مادر  
ترا بیش از پدر، بیچاره مادر  
ترا چون جان ببر، بیچاره مادر  
شب از بیم خطر، بیچاره مادر  
گیرد در نظر بیچاره مادر  
چو کمتر کارگر، بیچاره مادر  
نماید خشک و تر، بیچاره مادر  
نخوابد تا سحر بیچاره مادر  
ندار خواب و خور بیچاره مادر  
کند جان مختصر بیچاره مادر  
شتابد از اثر بیچاره مادر  
بود چشمش بدر بیچاره مادر  
شود از خود به در بیچاره مادر  
ز مادر بیشتر، بیچاره مادر  
که دارد یک پسر، بیچاره مادر.

ایرج میرزا.

پسر رو قدر مادر دان، که دایم  
برو بیش از پدر خواهش، که خواهد  
زجان محبوب تر دارش، که داردت  
از این پهلو به آن پهلو نغلتد  
به وقت زادن تو، مرگ خود را  
بشوید کهنه و آرایید او را  
تموز و دی، ترا ساعت به ساعت  
برای اینکه شب راحت بخوابی  
دو سال از گریه روز و شب تو  
تو تا یک مختصر جانی بگیری  
روی چون تادم در، ناشکیبا  
به مکتب چون روی تا باز گردی  
اگر یک ربع ساعت دیر آیی  
نبیند هیچکس زحمت به دنیا  
تمام حاصلش از عمر، اینست



بزرگداشت چنین روزی فقط به مادرانی که در قید حیات هستند، اختصاص نیافته بلکه در این روز مردم با شاخه‌ها و گلدان‌های گل بر مزار مردگان خود حاضر می‌شوند و آنجا را گل‌کاری و تزئین می‌کنند.  
با این که احترام و عشق به مادر پدیده‌ای جهانی است و همه بر بزرگداشت آن باوری عمیق دارند، اما در کشورهای گوناگون، روزهای ویژه‌ای به آن اختصاص داده شده که معمولاً با پدیده و یا یادبود دیگری در پیوند است. در «دانمارک»، بزرگداشت روز مادر را در دومین یکشنبه‌ی ماه مه برگزار می‌کنند. در کشور «ناروی»، در دومین یکشنبه‌ی ماه فیبروری، در «انگلستان»، سه یکشنبه، پیش از عید «پاک» و در «سوئدن»، آخرین یکشنبه در ماه مه. کهن‌ترین سند و نوشته‌ای که در حال حاضر در مورد برگزاری بزرگداشت روز مادر در دست است، به عهد باستان و کشور «یونان» قدیم برمی‌گردد. حدود ۲۵۰ سال پیش از میلاد مسیح، یونانیهای دوره‌ی باستان همراه با

جشن بهاری، برای خدای مادر به نام «Rhea»، جشنی بر پا می‌داشته‌اند. همچنان که رومی‌ها برای خدای مادر و یا مادر خدایان روم، به نام «Kybele» این مراسم را برگزار می‌کرده‌اند.

در فرهنگ انگلوساکسون، در سده‌های هفدهم میلادی، روزی به‌عنوان روز بزرگداشت مادر وجود داشته‌است. در چنین روزی، افرادی که دور از خانه و کاشانه‌ی خود می‌زیسته‌اند، یا به‌عنوان کارگر، دانشجو، پیشه‌ور و یا خدمتگزار در نقطه‌ی دیگری زندگی می‌کرده‌اند، در این روز مرخصی می‌گرفته تا به دیدار دیار و خانواده‌ی خود بروند. رسم بر این بوده که برای مادر هدیه‌ای می‌خریده‌اند و با شیرینی و گاه غذای مخصوص از او پذیرایی می‌کرده‌اند. اجرای مراسم چنین روزی معمولاً در کلیسا انجام می‌شده است.

برگزاری روز مادر در اروپا، ریشه در تاریخ آمریکایی این سنت دارد. بنیان‌گذار این روز، خانم آموزگاری است آمریکایی به نام Anna Jarvis (1864- 1948) است که در سال ۱۹۰۷ یا ۱۹۰۸ در «فیلادلفیا» اجازه یافت تا مراسم ویژه‌ای را در کلیسا برای مادر خود که او نیز کشیش‌زاده بوده و در کلیسا تدریس می‌کرده، اجرا کند.

Anna Jarvis به هزینه‌ی خود تمام کلیسا را پر از گل‌های میخک سفید کرده بود. زمانی که مراسم نیایش در کلیسا به پایان رسید، او به تمام شرکت‌کنندگان در آنجا گل میخک سفیدی به رسم سپاس، هدیه داد. از آن به بعد، این گل به چنین روزی اختصاص داده شد. اما بعدها میخک‌های رنگی جای آن را گرفتند و میخک سفید تنها در مراسم درگذشت مادر مورد استفاده قرار گرفت. همان سال، مراسم بزرگداشت روز مادر در تمام آمریکا و حتی کشورهای چون «مکزیک»، «کانادا»، «چین»، «ژاپن»، «آمریکای جنوبی» و «آفریقا» برگزار شد. رئیس‌جمهور آمریکا W. Wilson، در سال ۱۹۱۴، تاریخ برگزاری این مراسم را، دومین یکشنبه‌ی ماه مه، تعیین کرد. سوئدن جزو اولین کشورهای بوده که از برگزاری چنین روزی استقبال کرده است. در اینجا نیز تاریخ این روز توسط Cecillia Bååth Holmberg، که در انجمن‌های فرهنگی، فرد فعالی بود، تغییر کرد. او با تشکیل کمیته‌ای، مسئله‌ی تغییر تاریخ روز مادر را به رسانه‌ها کشاند و با پشتیبانی کشیش‌ها، آموزگاران و انجمن‌های گوناگون، زمان برگزاری آن را به آخرین یکشنبه‌ی ماه مه تغییر داد. دلیل این امر آن بود که طبیعت زیبای سوئد بتواند از خواب زمستانی بیدار شود و جان دوباره‌ای در پیکرش بدمد. این تاریخ، مناسب‌ترین زمان برای برگزاری این مراسم، بیرون از محیط خانه بوده است. نکته‌ی مهم در این بزرگداشت آن بوده که مردم پرچم ملی کشور را در خانه‌های خود برمی‌افراشته‌اند. در سال ۱۹۱۹ میلادی که برگزاری این مراسم به خواست و پیشنهاد Cecillia به آخرین یکشنبه‌ی ماه مه انتقال پیدا کرد، هنوز مردم نمی‌دانستند که این روز را چگونه برگزار کنند.

در دفتری که به همین مناسبت و در جهت برگزاری این روز تهیه و منتشر شده است، به‌عنوان پیشنهاد، نکاتی را یادآور شده و از جمله توجه به این موارد را ضروری دانسته‌اند:

- پرچم سوئد در این روز در حیاط خانه‌ها به اهتزاز می‌آید.
- فرزندان هر خانواده صبح زود با سرود و ترانه بر بالین مادر و به دیدار او بروند.
- پیش از آن‌که مادر، صبح زود بستر را ترک کند، از او با قهوه، صبحانه و شیرینی، پذیرایی شود.
- در سینی صبحانه که بر بالین او آورده می‌شود، گل و هدیه‌ای نیز گذاشته شود.
- در این روز، هنگام صرف قهوه در بعد از ظهر و یا وقت شام، پدر نیز رسماً از زحمات مادر سپاسگزاری کند.
- در چنین روزی باید تلاش شود که مادر از انجام کارهای خانه دست کم برای یک روز معاف باشد و به جای او فرزندان خانواده، انجام کارهای خانه را به‌عهده گیرند.

البته برای مادرانی که امروز در بیرون از محیط خانه کار می‌کنند، چنین تفکری بسیار مطبوع است. اما به خاطر داشته باشیم که بیشتر مادران، در آن زمان خانه‌دار بودند و تمام بار انجام کارهای خانه و پرستاری از فرزندان بر دوش آنها بود. برای آنان نیز معاف بودن از کار، حتی برای یک روز می‌توانست بسار دلچسب باشد. کار آنها در خانه، هرگز شامل گرفتن مرخصی و استراحت نمی‌شد. اگر در چنین خانواده‌ای، پدر و فرزندان دلسوز، او را همراهی و کمک نمی‌کردند، انجام کارهای روزانه طاقت فرسا می‌شد.

فرزندانی که به دلایلی دور از محیط خانه و زادگاه خود بودند، با نامه، تلگراف، تلفن و یا فرستادن کارت، از مادر خود سپاسگزاری و قدردانی می‌کردند. آرشیف ویژه‌ی موزیم در کشورهای اسکاندیناوی، شرح‌حالی مربوط به سال ۱۹۱۹ و منطقه‌ی «Småland» باقی مانده که توسط دختری با نام «Gertrud»، در چگونگی برگزاری این روز نوشته شده است.

مضمون آن نوشته این است که او صبح بسیار زود برای چیدن گل‌های تازه‌ی صبحگاهی، خانه را ترک می‌کرده تا دسته‌گلی مناسب برای مادر فراهم آورد. در این فاصله، پدر نیز سینی صبحانه را آماده می‌ساخته تا همراه با این دسته گل، بر بالین مادر حاضر شوند. در طول روز نیز او از انجام هرگونه کاری معاف بوده و به استراحت می‌پرداخته‌است. روز مادر، روز آزادی او از کار سخت روزانه بوده‌است. سنت دیگر در چنین روزی، رفتن بر سر مزار و آرامگاه مادرها و مادر بزرگ‌هایی بوده که دیگر حضور نداشته‌اند تا از آنها قدردانی شود. Anna Jarvis، بنیان‌گذار چنین روزی در سال ۱۹۴۸ درگذشت.

او از بهره گیری‌های تجاری جهانی شدن روز مادر نه تنها خشنود نبود بلکه خود را بسیار سرخورده احساس می‌کرد. او به این سرخوردگی در زمان حیات خود نیز اشاره کرده بود. باور و هدف او بر این بود که عمیقاً و آن‌گونه که شایسته‌ی مادر است از او قدردانی شود.

اما پس از مدت کوتاهی بیش از همه، شرکت‌های صنعتی و تجاری با فرستادن کالاهای گوناگون جهت این روز، شکل تجاری به آن دادند و ماهیت برگزاری چنین روزی کاملاً دگرگون شد. فروش کارت، هدیه‌های مختلف، تولید یک‌های رنگارنگ با رنگ و مزه‌های مختلف و انبوه دسته‌های گل، به شکل آشکاری جنبه‌ی تجاری این امر را برجسته کرد و اهمیت بنیادین این روز را دگرگون ساخت. و اما در کشورهای غیر دمکرات، نام‌گذاری روز مادر و برگزاری مراسم ویژه برای او، به طور عمده، در خدمت تقویت خاندان قدرت بوده است. هر چند مردم بی توجه به این ویژگی، این روز را بهانه‌ای قرار می‌دهند تا به شکل‌های گوناگون از مادران خود، در حد توان و آگاهی خویش، کم یا زیاد قدردانی کنند. در این که وجود مادر عزیز و بزرگداشت چنین روزی شایسته است، در آن تردیدی نیست. مهم این است که هر کس به سبک و شیوه‌ی خود آن را به جای آورد. (مادر موجود دوست داشتنی)



به خواب خوشم در شبستان تو  
 که با شد خوانمده او مانده پیر  
 به امیری کزو بارور شد وجود  
 به مظلومی درد مندان پیر  
 که محروم با شد ز فریاد رس  
 به شب ناله تلخ زندانیان  
 به ناخن کبودان شب‌های سرد  
 به زخمی که با مرهمش کار نیست  
 به شرعی که در روی زیبا بود  
 به خوشبویی خاک افتاند گان  
 به نقشی که آرایش پیکر است  
 بگیرد گره طاق ابروی تو.

به شیرینی که خوردم ز پستان تو  
 به داغ دل مادر پیش میر  
 زموجی که خیزد ز دریای جود  
 به محرومی طفل تشنه به شیر  
 به فریاد فریاد آن یک نفس  
 به قندیل محراب روحانیون  
 به عزلت نشینان صحرائی درد  
 به دردی که زخمش پدیدار نیست  
 به صبری که در نا شکیب بود  
 به خوشخویی طبع آزادگان  
 به حرفی که از حرفها برتر است  
 که گر این وثیقت رسد سوی تو

نظامی گنجوی.

پایان

\*\*\*\*\*